



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت

شهید مهدی آنیلی

Martire Edoardo Anelli



سرمقاله

تحلیل افول ذخایر گاز

و چالش‌های راهبردی تأمین انرژی

زمستان سخت ۲ در انتظار اروپا؟



جبران حجم‌های عظیم ازدست‌رفته وجود ندارد. در نهایت، مقایسه وضعیت امروز با سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که زمستان سخت شاید نه یک اتفاق مقطعی، بلکه به یک وضعیت ساختاری بدل شده است. اروپا با این ذخایر ۳۷ درصدی، عملاً هیچ ذخیره احتیاطی برای مدیریت بحران‌های غیرمترقبه ندارد. اگر روند فعلی واردات کند باقی بماند، اروپا حتی پیش از رسیدن اولین سرمای جدی، با بحران در بخش پتروشیمی و صنایع سنگین روبه‌رو خواهد شد؛ چرا که تأمین خانگی بر تأمین صنعتی اولویت دارد و این یعنی کاهش بهره‌وری و رکود تولید.

آنچه در پیش داریم، نه فقط یک چالش قیمتی، بلکه آزمون اصلی تاب‌آوری سیستم انرژی اروپاست. اگر ذخایر در فصل تزریق به حد مطلوب نرسد، زمستان ۲ می‌تواند بسیاریران‌کننده‌تر از نسخه‌ی اولیه خود باشد. اروپا در حال حاضر در یک «نبرد زمانی» قرار گرفته که در آن، هر روز تأخیر در تأمین، به معنای میلیون‌ها مترمکعب کمبود در فصل سرد است. ♦

زود هنگام در اواخر پاییز، می‌تواند تعادل شکننده اروپا را به یک «بحران کمبود فیزیکی» تبدیل کند. از منظر رفتار بازار، معامله‌گران اروپایی اکنون در یک دوگانه گیر کرده‌اند: خرید گاز با قیمت‌های بالا برای پر کردن مخازن یا انتظار برای افت قیمت‌های احتمالی. اما تاریخ ۲۲ می‌نشان می‌دهد که زمان در حال از دست رفتن است.

فنز فشرده ذخایر اروپا که اکنون در کمترین سطح خود قرار دارد، در صورت بروز هرگونه تنش در بازار جهانی، می‌تواند منجر به یک اصلاح قیمتی انفجاری در بازار گاز اروپا (TTF) شود.

نکته نگران‌کننده این است که سیاست‌های اروپا برای تنوع‌بخشی هنوز نتوانسته جایگزین پایداری برای گاز خط لوله‌ای ارزان قیمت روسیه ایجاد کند. وابستگی به LNG، یعنی وابستگی به قیمت‌های جهانی و امنیت مسیرهای دریایی. اگر مسیرهای دریایی (مانند هرمز) ناامن باشند، اروپا اولین بازاری خواهد بود که با شوک کمبود فیزیکی مواجه می‌شود، چرا که هیچ خط لوله جایگزینی برای

دلایل فنی این ناترازی در دو محور قابل بررسی است: اول، کاهش ظرفیت تأمین از مسیرهای سنتی و دوم، رقابت شدید در بازار LNG. اروپا پس از قطع یا کاهش گسترده گاز روسیه، بخش بزرگی از سبد تأمین خود را به محموله‌های مایع (LNG) وابسته کرد. اما این بازار اکنون با دو مانع بزرگ مواجه است: تنش‌های ژئوپلیتیکی در گلوگاه‌های دریایی به‌ویژه هرمز که زنجیره لجستیکی LNG را با اختلال و افزایش هزینه بیمه روبه‌رو کرده و همچنین، رقابت قیمتی از سوی بازارهای آسیایی که قدرت خرید بالاتری دارند.

در مدل‌های ریسک انرژی، سطح ۳۷ درصدی ذخایر در این تاریخ خاص، به معنای «حاشیه امنیت صفر» است. برای درک بهتر، کافی است بدانیم اروپا برای رسیدن به سطح ایمن برای زمستان (بالای ۹۰ درصد)، به حجم تزریق روزانه‌ای نیاز دارد که تأمین آن در شرایط فعلی عرضه، از نظر لجستیکی بسیار پرهزینه است. هرگونه توقف ناگهانی در جریان‌های ورودی یا یک شوک دمایی

♦ | در حالی که جهان نگاه خود را به تنش‌های خلیج فارس معطوف کرده، اروپا با یک «بمب ساعتی» در زیرساخت‌های انرژی خود روبه‌روست. آمارهای رسمی مورخ ۲۲ می ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که سطح ذخایر گاز اتحادیه اروپا به رقم نگران‌کننده ۳۷ درصد رسیده است. این عدد، نه تنها نشان‌دهنده یک تخلیه سریع است، بلکه از نظر آماری حتی از زمان مشابه در سال ۲۰۲۲، یعنی درست پس از آغاز جنگ اوکراین و پیش از وقوع زمستان‌های سخت قبلی نیز کمتر است. ما با یک وضعیت «شکندگی مضاعف» روبه‌رو هستیم. این شکاف عددی زمانی معنای بحرانی‌تری به خود می‌گیرد که آن را با شرایط ورود به فصل گرم مقایسه کنیم. معمولاً در این مقطع از سال، ذخایر باید با سرعت قابل توجهی برای آمادگی جهت زمستان پیش‌رو پر می‌شدند، اما واقعیت بازار انرژی اروپا خلاف این مسیر را نشان می‌دهد. برخلاف سال‌های گذشته، نه تنها سرعت تزریق به مخازن کاهش یافته، بلکه روند کلی واردات گاز نیز با کندی شدیدی همراه است.

سیاست انرژی

دیپلماسی نفت؛ از محموله‌نمادین ژاپنی تا دکترین محاصره شرق آسیا

بحران هرمز در حال سرایت به شرق آسیاست. این مقاله سناریویی را ترسیم می‌کند که در آن محاصره دریایی به سه تنگه کلیدی مالاکا، تایوان و لوزون گسترش می‌یابد. وابستگی ۸۰ درصدی چین به تنگه مالاکا و پیوند حیاتی تجارت تایوان به مسیرهای دریایی، این منطقه را به «هرمز دوم» تبدیل کرده است. فارن افرز پیش‌بینی می‌کند که در صورت تقابل آمریکا و چین، سناریوی «محاصره متقابل» (مانند آنچه ایران با امارات در هرمز اجرا کرد) می‌تواند به الگویی برای جنگ‌های دریایی در شرق آسیا تبدیل شود.

در فضای غبارآلود دیپلماسی انرژی، برخی حرکات معنای نمادین عمیقی دارند. بلومبرگ گزارش داده نفتکش «ایده‌میتسو» با محموله ۲ میلیون بشکه نفت در حال رسیدن به ژاپن است. این محموله از آن جهت اهمیت دارد که با «مجوز ایران» عبور کرده و متعلق به شرکتی است که مؤسس آن در دوران ملی شدن صنعت نفت، محاصره دریایی بریتانیا علیه ایران را شکسته بود. این اقدام، پیام سیاسی روشنی به بازیگران منطقه و غرب مخابره می‌کند. در همین حال، تحلیل نشریه فارن افرز هشدار می‌دهد که دامنه

تاب‌آوری انرژی

بحران در زیرساخت و پارادوکس ذخایر استراتژیک

کاهش دهد و ۲.۵ میلیون بشکه در روز به بازار تزریق کند، اما این ابزار تنها برای چند هفته دیگر کارایی دارد. گزارش بلومبرگ به نقل از گروه انرژی راپیدان نیز هشدار داده است که حتی در صورت بازگشایی مسیرها تا جولای، قیمت نفت می‌تواند به ۱۳۰ دلار برسد و در صورت تداوم انسداد تا پایان اوت، جهان ممکن است با رکودی مشابه سال ۲۰۰۸ مواجه شود. این داده‌ها نشان می‌دهد که آزادسازی ذخایر تنها یک مسکن موقت برای کاهش تب بازار بوده و بحران بنیادین عرضه همچنان پابرجاست.

وزیر نفت ایران با تأیید آسیب دیدگی بخشی از زیرساخت‌های گازی و مخازن ذخیره‌سازی در جریان ۴۰ روز درگیری، بر ضرورت مدیریت مصرف تأکید کرده است. این واقعیت نشان می‌دهد که جنگ در میدان‌های انرژی، هزینه‌های ملموس بر شبکه داخلی داشته است.

در سطح جهانی نیز وضعیت ذخایر استراتژیک بسیار شکننده است. رئیس آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) اعلام کرده است که آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه ذخایر نفت، اگرچه توانست قیمت‌ها را ۱۸ دلار

ژئوپلیتیک انرژی

دکترین «عبور با مجوز» و تغخیر موازنه قدرت در هرمز

در همین راستا، رابرت ای‌پاپ، استاد دانشگاه واشنگتن، معتقد است این تنها یک تاکتیک کوتاه‌مدت نیست. وی با اشاره به نقشه سازمان تنگه هرمز معتقد است هدف ایران، ادغام بندر فجیره امارات در این سیستم نظارتی است که می‌تواند نفوذ ایران بر جریان نفت جهان را از ۱۵ درصد به ۱۷ درصد ارتقا دهد. در سوی مقابل، واکنش‌های بین‌المللی نیز در حال شکل‌گیری است؛ چنانکه سی‌بی‌اس گزارش داده اتحادیه اروپا در حال گسترش چارچوب تحریم‌های خود علیه مقامات دخیل در مدیریت این تنگه است؛ اقدامی که نشان می‌دهد «جنگ روایت‌ها و قواعد دریایی» به مرحله تقابل‌های حقوقی و تحریمی رسیده است.

تحولات میدانی در تنگه هرمز از یک تغییر الگوی بنیادین حکایت دارد. گزارش کیلر نشان می‌دهد که تعداد ترددهای تأیید شده کشتی‌ها از ۴ به ۱۰ مورد در روز ۲۰ می افزایش یافته است که عمده آن در مسیر «غرب به شرق» بوده است. این آمار نشان‌دهنده شکل‌گیری مدل «عبور با مجوز» توسط تهران است؛ مدلی که در آن مدیریت جریان انرژی در این گلوگاه، از یک وضعیت انسداد مطلق به یک فرآیند نظارت‌محور تغییر جهت داده است. این فرآیند شامل بررسی هویت کشتی‌ها، هماهنگی‌های امنیتی و دریافت عوارض عبور است که عملاً مشروعیت حکمرانی ایران بر تنگه را در عمل تثبیت می‌کند.

خبرخوان

● **وال استریت ژورنال: کویت بر اثر جنگ ایران منزوی شده**
با بسته شدن تنگه هرمز، صادرات ۲ میلیون بشکه نفتی روزانه این کشور متوقف شده و واردات مایحتاج از مسیر زمینی عربستان، ۶ برابر هزینه حمل دریایی تمام می‌شود

● **هشدار تحلیل گرامریکایی درباره بحران نفتی جهان؛ حذف ۲ میلیارد بشکه تولید نفت از بازار جهانی**
اریک ناتال، یکی از تأثیرگذارترین تحلیل‌گران حوزه انرژی در آمریکای شمالی؛ ارزیابی جدید مایلین است که جهان ۲ میلیارد بشکه از تولید نفت را از دست خواهد داد. حتی اگر تنگه هرمز در ماه جولای به تدریج باز شود، اما مشکل اینجاست که جهان نمی‌تواند ۲ میلیارد بشکه از تولید خود را از دست بدهد. سیستم خیلی زودتر از آن از هم خواهد پاشید.

● **جنگ علیه ایران، اقتصاد اروپا را در شوک فروبرد**
شواهد و مجموعه گسترده‌ای از اطلاعات نشان می‌دهد که شوک انرژی ناشی از جنگ علیه ایران در حال نفوذ عمیق‌تر به اقتصاد اروپا است. به گزارش رویترز، شوک انرژی سیاست‌گذاران را با معضل روبه رومی‌کند زیرا هم‌زمان بر رشد اقتصادی تأثیر گذاشته و قیمت‌ها را بالا می‌برد.